

اخذ پورسانت در حقوق ایران و فرانسه

وحید جشان^۱، علیرضا سایبانی^۲

چکیده

امروزه فساد مالی از معضلات مهم جامعه در دستگاه‌های دولتی است و فساد مالی از معضلاتی محسوب می‌شود که اقتصاد یک کشور را می‌تواند تضعیف یا حتی به مرز نابودی بکشاند. یکی از موارد فساد مالی بزه اخذ پورسانت در معاملات دولتی می‌باشد. این جرم در روزگار کنونی با گسترده شدن سامانه‌های اداری و بروکراسی و پیچیده‌تر شدن روابط و مناسبات فردی و اجتماعی وسیع‌تر و پیچیده‌تر شده است. با توجه به آثار سوئی که از این عمل ایجاد می‌شود در بسیاری از نظام‌های حقوقی از جمله ایران و فرانسه این عمل جرم محسوب می‌شود. روش تدوین این مقاله براساس روش توصیفی و تحلیلی است و در آن به موضوع اخذ پورسانت در حقوق کیفری ایران و فرانسه پرداخته شده است. نتایج گویای این است که در حقوق کیفری هر دو کشور اخذ پورسانت توسط مأموران دولتی تحت عنوان فساد مالی تبیین شده و عملی مجرمانه تلقی می‌گردد. در حقوق کیفری ایران از لحاظ مقررات و قوانین خلأ در این زمینه وجود ندارد و کیفرهای نسبتاً شدیدی برای آن در نظر گرفته شده اما، باید توجه داشت که تدابیر کیفری نمی‌تواند به حد کافی بازدارنده و پیشگیرانه باشد و نقش جامعه مدنی در این زمینه نادیده انگاشته شده است.

واژگان کلیدی: پورسانت، حقوق کیفری، قرارداد توتال، رشوه

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس Vahidjoshan4956@gmail.com

^۲ عضو هیات علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس

مقدمه

امروزه «وقوع تمامی جرایم حول محور پول است و امروزه جرایم اقتصادی با فساد آمیخته شده است» (بیابانی، ۱۳۹۱: ۷۱). در این میان، یکی از عمده‌ترین و اصلی‌ترین شیوه‌ای که فروشندگان خارجی یا داخلی کالا و خدمات از آن برای جلب هرچه بیشتر مشتری بهره می‌برند، پرداخت پورسانت است. این جرم در روزگار کنونی با گسترده شدن سامانه‌های اداری و بروکراسی و پیچیده‌تر شدن روابط و مناسبات فردی و اجتماعی و وسعت خواست‌ها و دامنه توقعات انسان‌ها گسترده‌تر، وسیع‌تر و پیچیده‌تر شده است. با توجه به آثار سوئی که از این عمل ایجاد می‌شود در بسیاری از نظام‌های حقوقی این عمل جرم محسوب می‌شود. از جمله آثار سوء این بزه می‌توان به خرید جنس با کیفیت نامرغوب، ازدیاد فاصله میان فقرا و ثروتمندان و ... اشاره کرد. سابقه تقنینی جرم‌انگاری این عمل در مقررات ایران به قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ بر می‌گردد اما اولین بار مقنن واژه پورسانت را در تبصره ماده ۸۵ قانون مجازات نیروهای مسلح ۱۳۷۱ بکار برد. در حال حاضر نیز ماده واحده قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی ۱۳۷۲، ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ماده ۱۰۹ قانون مجازات نیروهای مسلح ۱۳۸۲ در این زمینه حاکم می‌باشند. در این راستا توافقات چندی نیز به صورت کنوانسیون‌های جهانی صورت گرفته از جمله کنوانسیون پالمو و مریدا که بطور غیرمستقیم پورسانت توسط مأموران دولتی را تحت عنوان فساد مالی تبیین نموده‌اند و آن را عملی مجرمانه تلقی نموده‌اند. اما از لحاظ جهانی از آنجا که فساد اداری همانند هر پدیده مجرمانه در نظم عمومی جوامع بشری اختلال ایجاد کرده و امنیت مالی اقتصادی و سیاسی اکثر کشورها را در معرض خطر قرار داده است و از طرف دیگر یکی از قلمروهای فعالیت و برنامه‌های تخصصی سازمان ملل، سیاست جنایی و سیاستگذاری در زمینه مبارزه با بزهکاری است، سازمان ملل بعنوان یک نهاد بین‌المللی که متولی مبارزه با بزهکاری و ارائه راهکار جهت لحاظ در قوانین داخلی است برای مبارزه با اخذ پورسانت بعنوان یکی از مصادیق فساد تلاش‌هایی را انجام داده است که از جمله کنوانسیون مبارزه با فساد مالی (مریدا) در سال ۲۰۰۳ میلادی ایجاد شده است. این کنوانسیون مهمترین سند بین‌المللی است که بطور شاخص برای پیشگیری و مبارزه با مظاهر فساد تدوین گردیده است. در حقوق فرانسه نیز اخذ پورسانت یا درصانه، در قالب مباحثی همچون دلالی و نماینده تجاری قابل پیگیری است. واژه پورسانت برگرفته از لغت فرانسوی (pourcentage) به معنی حق دلالی، درصد یا سود است (نفیسی، ۱۳۷۸: ۴۸۹). در فرانسه دلالی در زمره قراردادهای تجاری آمده است و دلال در مقابل اجرت و حق دلالی یا اخذ پورسانت متعهد می‌شود واسطه انجام معاملات برای آمر شده و یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید، طرف معامله پیدا می‌کند.

حقیقت این است که جرم‌انگاری پورسانت قدمت چندانی ندارد و حقوق کیفری ایران تعریفی از آن ارائه نداده است. از سوی دیگر اخذ پورسانت در حقوق خصوصی مانند فرانسه، از اعمال حقوقی، مشروع و متعارف و

قانونی است و در چارچوب اراده مشترک دهنده و گیرنده قرار دارد. بطور مثال درخصوص مشاورین املاک و خودرو، گرفتن پورسانت جرم محسوب نمی‌شود. اما در حقوق عمومی و به ویژه در امور اداری و موسسات عمومی اخذ پورسانت در معاملات و مراودات تجاری یا خرید و فروش‌های سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی از سال ۱۳۷۲ جرم‌انگاری شده است. با این توضیحات و باتوجه به اهمیت این موضوع خصوصا در معاملات خارجی، در این پژوهش به این مساله پرداخته شده است که پورسانت در حقوق کیفری از چه جایگاهی برخوردار است؟

۱- مفهوم‌شناسی

بررسی هر موضوعی بی‌تردید مستلزم تعریف و تبیین مفهوم آن جهت ایجاد چارچوب نظری مشخص برای مطالعه هرچه بهتر می‌باشد موضوع بزه اخذ پورسانت نیز از این امر مستثنی نیست برای شناخت از این مفهوم برای دست‌اندرکاران مبارزه با این پدیده امری لازم و غیرقابل اجتناب است چراکه بدون آشنایی کافی و درست از این مفهوم نمی‌توان جهت مبارزه با آن اقدامات موثر و مفید انجام داد.

۱-۱- مفهوم پورسانت

از نظر لغوی در زبان فارسی واژه پورسانت، از لغت فرانسوی (pourcentage) به معنی حق دلالی، درصد یا میزان سود اخذ شده است که در هر یکصد فرانک فرانسه، محاسبه و ارزیابی می‌شود (نفیسی، ۱۳۷۸: ۴۸۹). در واقع واژه پورسانت برگرفته از فرهنگ فرانسه به معنای برقراری صدی چند یا دریافت صد چند آورده شده و فرهنگ جامع فرانسه آن را به درصد، معنا کرده است. و این واژه در فرهنگ عامیانه تجاری و روزمره مردم به معنای حق کمیسیون بکار می‌رود. در فرهنگستان فارسی نیز همین عبارت فرانسوی پورسانت یا پورسانتاژ استعمال می‌شود (عمید، ۱۳۷۷: ۳۸۲)، البته فرهنگستان زبان و ادب فارسی واژه «درصدانه» را بعنوان معادل فارسی آن برگزیده است. علی‌ایحال در زبان فارسی از لفظ پورسانتاژ یا درصدانه همان معنای درصد، صدی چند و حق دلالی و کمیسیون استنباط می‌شود.

در تعریف اصطلاحی پورسانت گفته شده است: «درصدی از سود حاصل از کاری که به کسی که در آن کار مشارکت داشته است، تعلق می‌گیرد» (انوری، ۱۳۸۷: ۵۰۲). در منابع حقوقی و اقتصادی اصطلاح پورسانت تعریف نشده است اما با استفاده از متون قانونی مرتبط با موضوع و عرف و رویه موجود می‌توان گفت که پورسانت عبارت است از درصدی از قیمت کالای مورد معامله یا درصدی از سود معامله یا درصدی از سود معامله یا مبلغ معین کالا که به شکل‌های مختلفی مانند حق دلالی، حق کمیسیون، هدیه، پاداش توسط

فروشنده به خریدار واقعی یا نماینده او و برای تشویق و جلب مشتری و رقابت با سایر تولیدکنندگان پرداخت می‌شود. در رویه قضایی و احکام دادگاه‌ها نیز از این بزه تعریفی ارائه نشده است. بنابراین به نظر می‌رسد برای تعریف بزه اخذ پورسانت باید به دکترین یا رویه قضایی مراجعه نمود.

در یکی از این تعاریف آمده است: «جرم اخذ پورسانت عبارت است درصدی از مبلغ کل قیمت کالا در جریان انجام معامله با فروشنده خارجی که توسط او به مأمورین دولتی طرف معامله که براساس موافقت قبلی مأمور، به صورت وجه نقد یا مال یا سند پرداخت وجه بطور مستقیم یا غیرمستقیم پرداخت می‌گردد و مأمور دولتی این جریان را از سازمان متبوع خود مکتوم نگاه می‌دارد» (ولیدی، ۱۳۸۶: ۳۰۲). اولین ایراد که به این تعریف وارد هست عبارتند از: ۱- هرچند پورسانت غالباً به صورت درصد معینی از قیمت کالا گرفته می‌شود اما پورسانت به طریق دیگر نیز گرفته می‌شود هر چیز با ارزش یا مال می‌تواند پورسانت تلقی شود و بعنوان پورسانت به مأمور دولت داده شود. بنابراین پورسانت فقط درصدی از مبلغ کل قیمت کالا در جریان انجام معامله نمی‌تواند باشد. ۲- ایراد دیگری که برای این تعریف وارد است اینکه بزه اخذ پورسانت را شامل معاملات خارجی دانسته یعنی بزه اخذ پورسانت شامل معاملاً داخلی نمی‌باشد. در حالیکه براساس ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۰۹ قانون جرایم نیرو مسلح بزه اخذ پورسانت نسبت به معاملات داخلی نیز قابل تحقق می‌باشد. یکی دیگر از مولفین در تعریفی از بزه اخذ پورسانت بیان داشته‌اند، پورسانت را درصدی می‌دانند که در معاملات خارجی قوای سه‌گانه توسط کارمندان و مأموران دولت از طرف خارجی اخذ می‌شود (مهاجری، ۱۳۷۹: ۲۰۸). ایرادی که بر این تعریف وارد است نیز همان ایراداتی است که به تعریف قبلی وارد بود. بر این اساس به نظر می‌رسد تعریف مناسب اینگونه باشد که پورسانت عبارت است از مالی که مأموران، کارمندان و نمایندگان خرید دولت در راه انجام معاملات دولتی از فروشنندگان کالا در خارج یا داخل کشور که معمولاً به صورت درصد معینی از مبلغ کالا می‌باشد به نفع خود یا دیگری دریافت می‌کنند.

۷۴

۲-۱- مفاهیم نزدیک به پورسانت در حقوق مدنی و حقوق کیفری

در مورد مفاهیم نزدیک به پورسانت در حقوق مدنی می‌توان از دلالی، کمیسیون، هبه و وکالت نام برد و در حقوق کیفری نزدیکترین مفاهیم به پورسانت؛ رشوه، رانت اقتصادی، اختلاس، تدلیس و خیانت به امانت می‌باشد. در این گفتار به مفهوم دلالی و کمیسیون و نیز رشوه و اختلاس پرداخته شده است.

۱-۲-۱- دلالی

دلالی از دلالت که به معنی راهنمایی و ارتباط بین دو امر است مشتق گردیده و اصطلاحاً عبارت است از وساطت بین فروشنده و خریدار. بنابراین دلالت کسی است که طرفین معامله را به یکدیگر نزدیک و معرفی نموده و شرایط و خصوصیات معامله را برای طرفین تشریح کرده و سعی می‌کند با تطبیق منابع طرفین

معامله را جوش دهد و بعضی اوقات در تنظیم سند معامله نیز همکاری می‌نماید. در فرانسه دلالتی در زمره قراردادهای تجاری آمده است و دلال در مقابل اجرت و حق دلالتی یا اخذ پورسانت متعهد می‌شود واسطه انجام معاملات برای آمر شده و یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید، طرف معامله پیدا می‌کند. در ایران، ماده ۳۳۵ قانون تجارت دلالتی را به شرح زیر تعریف می‌کند: «دلال کسی است که در مقابل اجرت، واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملات نماید طرف معامله پیدا کند». قانونگذار ایران به پیروی از قانونگذار فرانسه، خصوصیت ذاتا تجاری به دلالتی اعطا نموده است. بند ۳ ماده ۲ قانون تجارت ایران با بند ۷ ماده ۶۳۲ قانون تجارت فرانسه کاملا منطبق است که هر قسم عملیات دلالتی را عمل تجاری تلقی کرده است و اهمیتی ندارد که عملیات دلالتی راجع به اعمال تجاری باشد یا مدنی. بر این اساس باتوجه به تجاری بودن فعالیت دلالتی، دلال زمانی تاجر محسوب می‌شود که شغل معمولی او، انجام عملیات دلالتی قرار گیرد. دلالتی در عین اینکه فعالیت ذاتا تجاری است اما ماهیت این فعالیت، قراردادی تجاری است و قانونگذار ایران آن را تابع مقررات وکالت قرار داده است. به هر حال، در فرانسه نه تعریفی از دلالتی شده و نه به مقررات وکالت ارجاع شده است. دلالتی نمی‌تواند در قالب نمایندگی مطرح شود چه در نمایندگی، نماینده در محدوده اختیاراتش به نام و به حساب دیگری اقدام می‌کند. در حقوق ایران و فرانسه، قرارداد دلالتی در قالب نمایندگی واقع نشده است و دلال وکیل شناخته نمی‌شود اما این امکان وجود دارد که او از جانب ۷۵

طرفین قرارداد، وکالت داشته باشد. دلالتی قراردادی تجاری است که براساس آن، دلال در مقابل اجرت در پیدا نمودن طرف معامله‌ای که متناسب با شرایط تعیین تاجر بودن و شرایط مخصوص حرفه دلالتی را یکجا با هم داشته باشد، می‌تواند به فعالیت دلالتی بپردازد و در فرانسه فقط در مورد دلالتان آزاد، شرایط ویژه رعایت نمی‌شود. دلالتی همانند سایر قراردادهای تجاری عموما از جهت انعقاد و انحلال از اصول و قواعد حاکم بر قراردادهای مدنی پیروی می‌کند و از حیث اثبات با هر دلیل قابل اثبات است. به محض ایجاد قرارداد، آثاری به همراه دارد. هریک از طرفین قرارداد (دلال و آمر) متعهد به تکالیفی می‌گردند و در عین حال از حقوقی نسبت به یکدیگر برخوردار می‌شوند (گرگانی فیروزجائی، ۱۳۸۱: ۶). باتوجه به این مطالب تمایز بین دلالتی و پورسانت را می‌توان در موارد ذیل دانست:

۱- در مواد ۱ و ۲ قانون تجارت آمده تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد و هر قسم عملیات دلالتی نیز جزء معاملاتی تجاری قلمداد گردیده است. بنابراین باتوجه به تعریف مذکور هرچند شخص طرف معاملات خارجی (نماینده خرید) مشمول تعریف دلالتی می‌گردد و می‌توان گفت به نوعی واسطه انجام معامله شده یا طرف معامله پیدا نموده، لیکن چون تاجر محسوب نمی‌گردد دلال نمی‌تواند

واقع گردد. بنابراین به این اعتبار اخذ پورسانت توسط نماینده خرید، حق دلال محسوب نمی‌گردد و این استناد نمی‌تواند قبول پورسانت را توجیه نماید و مسئولیت کیفری به قوت خود باقی می‌باشد.

۲- چنانچه دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او مأموریت داده به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجارتهی محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند طبق ماده ۳۴۹ قانون تجارت مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود. بعلاوه محکوم به مجازات مقرر برای خیانت در امانت خواهد شد. باید گفت طبق استدلال بند یک کارگزاران نمی‌توانند عنوان دلال داشته باشد؛ لذا سوالی که به نظر می‌رسد این است که آیا چنانچه دلال اقدام به اخذ وجهی تحت عنوان پورسانت نماید مجرم می‌باشد یا خیر با عنایت به صراحت ماده ۳۴۹ ماده قانون تجارت و ممنوعیت اخذ پورسانت و تبصره ماده ۸۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح که اطلاع به مسئول ذیربط دستگاه را از موارد اباحه و علل موجه قلمداد نموده لذا چنانچه شخصی پیدا کند و این دلال برخلاف وظیفه خود به نفع دیگری معامله اقدام نماید یا برخلاف عرف تجارت وجهی دریافت نماید، این اقدام جرم پورسانت برای دلال محسوب نمی‌گردد و ضمانت اجرای آن همانطوری که در ماده ۳۴۹ قانون تجارت آمده عدم استحقاق دریافت اجرت و مخارجی که کرده و محکومیت به مجازات خیانت در امانت می‌باشد. بنابراین دلال متخلف طبق مواد ۶ و ۷ قانون مجازات اسلامی هر چند در صورتیکه جرم در خارج از کشور به وقوع پیوسته باشد قابل مجازات در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۷۶

۱-۲-۲- کمیسیون یا حق العمل کاری

حق العمل کار تاجری است که معاملاتی به نام خود ولی به حساب دیگران می‌کند. قانون تجارت فرانسه در ماده ۹۴ خود و قانون تجارت ایران در ماده ۳۵۷ تعریفی از حق العمل کاری آورده‌اند. قانون تجارت حق العمل- کار را به شرح زیر تعریف می‌کند: «حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می‌دارد» و طبق ماده ۳۵۸ قانون تجارت جز در مواردی که به موجب موارد ذیل استثناء شده، مقررات راجع به وکالت در حق العمل کاری نیز رعایت خواهد شد. بنابراین می‌توان گفت حق العمل کاری یکی از طرق و وسایل تسهیل معاملات تجارتهی است که موضوع آن انجام خرید و فروش یا هر نوع عمل تجارتهی با اخذ کارمزد به حساب دیگری و از طرف دیگری است. کسی را که انجام خرید و فروش را به عهده دیگری محول دارد آمر و دیگری را عامل یا حق العملکار می‌نامند. حق العمل کار عملی است تجارتهی و بند ۳ ماده ۲ قانون تجارت هر قسم عملیات حق العمل کاری را جزء معاملات تجارتهی نام برده است. حق العمل کاری در مقایسه با پورسانت دارای تمایزات زیر است:

(۱) ماده ۳۵۹ قانون تجارت حق العمل کار را موظف نموده آمر را از جریان اقدامات خود مستحضر نماید در حالیکه پورسانت گیرنده این نکته را مخفی می‌نماید چراکه در حق العمل کاری آمر که حق العمل کار نمایندگی

او را در انجام معامله به عهده دارد از پرداخت حق الزحمه به وی با اطلاع بوده و رضایت دارد، درحالیکه پورسانت گیرنده حقوق بگیر ثابت شخص حقوقی عمومی است و وظیفه انعقاد و خرید دلالتی یکی از وظایف وی است و اگر حق الزحمه‌ای دریافت کند در حقیقت متعلق به شخص حقوقی دولت است.

(۲) طبق ماده ۳۵۷ قانون تجارت حق العمل کار به اسم خود معامله می‌کند ولی پورسانت گیرنده هرگز به اسم خود معامله نمی‌کند بلکه به اسم شخص حقوقی که وی نماینده آن است معامله می‌کند.

(۳) ماده ۳۷۰ قانون تجارت می‌گوید اگر حق العمل کار نادرستی کرده و مخصوصاً در موردی که به حساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش محسوب دارد مستحق حق العمل نخواهد بود بعلاوه در دو صورت اخیر آمر می‌تواند خود حق‌العملکار را خریدار یا فروشنده محسوب کند و در تبصره آن آمده دستور فوق مانع از اجرای مجازاتی که برای خیانت در امانت مقرر شده نیست لیکن با عنایت به این نقطه اشتراک حق‌العمل کاری با پورسانت مبنی بر اینکه هر دو به حساب دیگری معامله می‌کنند و هیچکدام طرف اصیل در معامله نمی‌باشند، می‌توان حق‌العمل کاری را که قیمتی علاوه بر قیمت خرید محسوب داشته با نماینده‌ای که اقدام به اخذ پورسانت نموده یکسان دانست. بنابراین به نظر می‌رسد این چنین شخصی زیاده بر حق‌العمل خود مطالبه می‌نماید و به نوعی می‌توان گفت از قیمت مورد معامله کسر گردیده مشمول تبصره ماده ۳۷۰ قانون تجارت و مرتکب خیانت در امانت گردیده و به نوعی دیگر قوانین پورسانت به وی تسری دارد.

۱-۲-۳- رشوه

همانطور که اشاره شد، پورسانت با برخی نهادهای کیفری، از جمله رشوه، مشابه و نزدیک است. در حقوق کیفری فرانسه تحت عنوان کلی فساد خصوصی مصادیق جرایمی چون اختلاس و ارتشاء پوشش داده شده و در قانون جزای این کشور دو دسته فساد پیش‌بینی شده است. اولین مورد مربوط به فساد ارتكابی بر علیه کشورهای اروپایی است و دومین مورد فساد ارتكابی بطور خاص بر علیه خود کشور فرانسه است. حقوق کیفری فرانسه در این راستا پیشگام است و از این طریق بر لزوم مبارزه با مصادیق این جرم حتی به قیمت گستردگی عنوان مجرمانه تاکید دارد. در حقوق کیفری کشور فرانسه در کتاب چهارم از قانون مجازات یا جزای این کشور تحت عنوان کلی جرایم ارتكابی علیه ملت، دولت و صلح عام، فساد خصوصی یا همان ارتكاب یافته از سوی افراد خصوصی پیش‌بینی شده است. قانونگذار کیفری فرانسه منطبق با اهداف کنوانسیون در حوزه پیشگیری، جرم‌انگاری و تعقیب و مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس در بخش خصوصی به خوبی عمل نموده است. بنابر همین ملاحظات در حقوق کشور فرانسه رویکرد جرم‌انگاری اختلاس و ارتشاء در بخش‌های خصوصی سریع‌تر رخ داده است و چه بسا در سالیانی نه چندان دور، باتوجه به الهام‌گیری قانونگذار ما از نظام

کیفری فرانسه، این جرایم در بخش خصوصی به رسمیت شناخته شوند (پاکزاد و پیوندی، ۱۳۹۲: ۹۰). در مقایسه رشوه و پورسانت باید گفت:

۱) در معاملات غیردولتی دریافت وجه یا مال رشوه نمی‌باشد زیرا در معاملات غیردولتی هیچکدام از طرفین وابستگی به دولت نداشته در حالیکه در تحقق عمل رشوه وابستگی به دولت از الزامات کار می‌باشد همچنین پرداخت پورسانت در معاملات غیردولتی را نمی‌توان از مصادیق رشوه به شمار آورد. چراکه اولاً در رشوه راشی باید درصدد حل مسأله کاری که مربوط به خود بوده و یا به نحوی به او مربوط می‌شود باشد و ثانیاً انجام و حل این مشکل و مسأله در حدود اختیارات دستگاه‌های دولتی می‌باشد، در حالیکه پورسانت چنین مطلبی وجود ندارد. فروشنده یک مراجعه کننده نیست بلکه طرف معامله است و فروش کالا یک کار اداری برای فروشنده محسوب نمی‌گردد (اسماعیلی، ۱۳۸۳: ۵۵). از طرف دیگر مسأله رشوه طرفین از نظر وظیفه با هم برابری ندارند انجام کار راشی توسط سازمان دولتی میسر است و او اجباراً باید کار خود را از آن طریق حل نماید و حق انتخاب دوم و سوم ندارد لیکن در مسأله پورسانت وجود داشته و اجباری در فروش کالای خود به یک شرکت دولتی مطرح نمی‌باشد. به عبارت دیگر در مسئله پورسانت هر دو طرف مخیر هستند و چنانچه بنا به دلایلی معامله‌ای هم صورت نگیرد مشکلی از نظر اداری برای طرفین پیش نخواهد آمد. بنابراین تحقق عمل رشوه در انجام وظایف دولتی و به جهت ارتباطی که مجموعه دولت با مردم دارد متصور است لیکن تحقق عمل پورسانت صرفاً در معاملات امکانپذیر است که اجبار شرط اصلی آن نباشد.

۲) رشوه از جمله جرایمی است که شباهت فوق‌العاده‌ای به پورسانت داشته و معمولاً تمیز بین رشوه و پورسانت در اذهان عامه به سادگی امکانپذیر نیست. در بسیاری از مواقع این دو واژه به جای یکدیگر ایفای نقش می‌کنند. از ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری به روشنی بر می‌آیند که دریافت وجه مالی در معاملات غیردولتی به هیچ عنوان رشوه تلقی نمی‌گردد زیرا در اینگونه معاملات هیچ یک از طرفین وابستگی به دولت ندارند. بنابراین از جمله وجوه افتراق که بین ارتشاء و بزه پورسانت می‌توان بیان داشت این است که، بزه پورسانت هنگامی روی می‌دهد که معامله‌ای در بین باشد و فروشنده برای ترغیب خریدار مبادرت به پرداخت پورسانت بنماید. اما بزه ارتشاء هنگامی روی می‌دهد که کارمند دولت برای انجام یا عدم انجام کاری که مربوط به یکی از سازمان‌ها یا نهادهای دولتی باشد مبادرت به قبول مزایای مالی مذکور در قانون می‌نماید و از نظر قانون ایران ضرورتی ندارد که رشوه پس از انجام کار پرداخت شود و حتی اگر پس از انجام عمل نیز راشی مبادرت به پرداخت رشوه نماید جرایم رشا و ارتشاء محقق هست البته، باید نوعی توافق هر چند ظاهری، بین راشی و مرتشی در این مورد صورت گرفته باشد (اصغری، ۱۳۷۷: ۱۱۲)، بگونه‌ای که در عرف بتوان گفت که مرتشی به امید دریافت رشوه کار موردنظر را انجام داده یا نداده اما در جرم اخذ پورسانت به نظر می‌رسد که چنین توافقی نیز ضروری نیست.

۱-۲-۴- اختلاس

در اصطلاح حقوق جزا واژه اختلاس در دو معنای عام و خاص بکار رفته است. در معنای عام گفته‌اند قطع تصرف مادی صاحب مال از آن توسط مرتکب که باتوجه به مفهوم اصطلاحی آن به معنی برداشتن مال غیر از راه حيله و نیرنگ (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱۹) و اختلاس در اصطلاح فقها نوعی از سرقت و خیانت در امانت است لکن مستوجب حد ندانسته بلکه قابل تعزیر می‌دانند و در معنای خاص تعاریف مختلفی از اختلاس به عمل آمده است و از جمله اختلاس عبارت از خیانت مامور دولت، در تصاحب وجوه یا اسناد یا اموال متعلق به دولت و یا نسبت به سایر وجوه یا اسناد یا اموال اشخاص است که به نفع خود یا دیگری که برحسب وظیفه به او سپرده شده است (ولیدی، ۱۳۸۶: ۲۳۰). بنابراین اختلاس بطور کلی در مورد کسی محقق می‌شود که یا مستخدم دولت و یا در حکم مستخدم دولت و به سبب شغل و وظیفه این مال را تحت تصرف و اختیار داشته باشد و لذا نامی از بخش خصوصی نیامده است.

در تعریف حقوق کیفری فرانسه از جرم کلی نقض اعتماد عمومی صرفاً ذکر از بخش عمومی نشده است و این جرم بطور کلی هر نقض اعتمادی را از سوی نهادهای مختلف موضوع سپردن واقع می‌گردد خواه این افراد وابسته به بخش خصوصی باشند یا عمومی. به همین دلیل وضعیت تعریف با تمام آنچه بیان شده نه تنها بخش‌های عمومی بلکه بخش خصوصی را نیز در تقدیر دارد. بنابراین جرم اختلاس در نظام اداری کمابیش ۷۹ گریبانگیر همه کشورها است، همانگونه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همانند قوانین اساسی دیگر کشورها نمادی‌ترین مطالب بیان می‌گردد در اصل ۴۹، دولت موظف شده است تا ثروت‌های ناشی از اختلاس را گرفته و حسب مورد به بیت‌المال و یا صاحب حق برگرداند. اختلاس که دارای آسیب‌ها و پیامدهای فردی و اجتماعی وسیعی بوده علیرغم شدید مجازات مرتکبین، اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری روند روبه رشدی در جامعه پیدا کرده است. همه این ملاحظات و اصطلاحات مرتبط با جرم اختلاس با این نکته همراه است که اختلاس تنها از سوی مستخدمان دولتی قابل ارتکاب است. این درحالی است که با گسترش ایفای نقش بخش‌های خصوصی تعریف اختلاس با تغییری در دامنه‌ای آن به مانند کشور فرانسه تغییر مثبتی پیدا کند (حسینی، ۱۳۹۵: ۳۵). در بیان بررسی مقایسه‌ای پورسانت و اختلاس موارد ذیل قابل ذکر می‌باشد:

۱) در اختلاس صحبت از برداشت و تصاحب اموال متعلق به موسسات مذکور در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب مجمع تشخیص نظام، که برحسب وظیفه به کارمند سپرده شده به نفع خود یا دیگری به میان آمده حال آنکه در قانون ممنوعیت قبول و عدم اطلاع هرگونه پورسانت بحث شده است.

۲) در هر دو مورد مجازات شروع به جرم حداقل مجازات مقرر می‌باشد و اگر نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود.

۳) تفاوتی که در تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب مجمع تشخیص نظام و قانون ممنوعیت اخذ پورسانت مشاهده می‌شود این است که اگر شخص پورسانت گیرنده موضوع را به اطلاع مقام مسئول رسانیده و وجه مزبور را به خزانه دولت واریز نماید از علل موجه محسوب شده و مشمول ماده فوق نخواهد گردید در حالیکه اگر مختلس قبل از تفهیم اتهام وجه مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه می‌تواند صرفاً مجازات حبس او را معلق و از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف کند. لیکن حکم انفصال درباره او اجرا خواهد شد.

۲- ابعاد حقوقی پرداخت پورسانت در قرارداد توتال و کرسنت

پس از حدود چهار سال از مطرح شدن بازنگری در قراردادهای نفتی و انتقادات وارد شده بر الگوی پیشنهادی وزارت نفت، چندین مرتبه اصلاحات انجام گرفته، نهایتاً اولین قرارداد براساس الگوی جدید موسوم به IPC تیر ۱۳۹۵ منعقد گردید. این قرارداد بین شرکت ملی نفت ایران بعنوان کارفرما و کنسرسیومی متشکل از شرکت توتال فرانسه، CNPCI چین و پتروپارس برای توسعه بخش فراساحل فاز ۱۱ پارس جنوبی امضا گردید. باتوجه به الزامات قانونی قراردادهای نفت و گاز دارای طبقه‌بندی هستند. از این رو، وزارت نفت صرفاً گزارشی کلی از مشخصات قرارداد را ارائه کرده و سایر نهادها نیز با امانت گرفتن نسخ قرارداد در زمان محدود، آن را مورد بررسی و مذاقه قرار داده‌اند. بنابراین اطلاعات موجود درباره قرارداد صرفاً براساس بیانات و مفروضات ارائه شده از طریق مسئولان وزارت نفت قابل دستیابی است. لازم به ذکر است که عقد این قرارداد به استناد ماده ۱۱ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۱ مجلس شورای اسلامی، با کسب مجوز از وزیر نفت، فقط با رعایت آئین‌نامه معاملات شرکت ملی نفت ایران صورت گرفته است. اما این قرارداد روی دیگری نیز داشت و آن فساد مالی در ارتباط توتال با ایران است.

طبق اسناد رسمی وزارت دادگستری ایالات متحده آمریکا که اخبار آنها در معتبرترین رسانه‌های اقتصادی و نفتی منتشر شده است، شرکت توتال فرانسه در سال ۲۰۱۳ می‌پذیرد که مبلغ ۳۹۸ میلیون دلار بپردازد تا بتواند اتهامات آمریکا را مبنی بر آنکه این شرکت به یک صاحب منصب نفتی ایران برای انعقاد قراردادهای نفت و گاز پرداخت‌های غیرقانونی داشته است، حل و فصل کند. همچنان که دادستان فرانسه اعلام کرد که در صدد تعقیب اتهامات مدیران ارشد این شرکت هستند. de Margerie که بیش از سه دهه سابقه مدیریت در توتال داشت و در فوریه ۲۰۰۷ به ریاست توتال برگزیده شد، درست یک ماه پس از این انتصاب، رسماً مورد تحقیق و بازرسی قرار گرفت. اتهام وی سوءاستفاده از منابع و فساد در ارتباط با کارکنان دولت خارجی بود؛

به همین دلیل برای بازجویی دو روز در بازداشت به سر برد. غیر از او، دو تن دیگر از مدیران توتال نیز مورد تحقیق و پیگرد دستگاه قضای فرانسه قرار گرفتند. یک سال بعد، ۲۵ نوامبر ۲۰۱۴، سخنگوی دادستان پاریس اعلام کرد توتال به اتهام پرداخت پورسانت به یک مقام ایرانی به دادگاه می‌آید (پاک‌ذات، ۱۳۹۷: ۴۰). در واقع، شرکت توتال فرانسه در آغاز سال ۱۹۹۵ (دی‌ماه ۱۳۷۳) برای توسعه میدان سیری با شرکت ملی نفت ایران وارد مذاکره شد. توتال با یک مقام دولتی ایران ملاقات می‌کند و با او توافق می‌کند به اسم مشاوره بواسطه‌ای که آن مقام دولتی ایران معلوم می‌کند مبالغی پرداخت کند تا در قبال این حق‌المشاوره (پورسانت) آن مقام از نفوذ خود در شرکت ملی نفت ایران، برای امضای قرارداد سیری استفاده کند. سه روز بعد از اولین پرداخت، در ۱۳ جولای ۱۹۹۵ شرکت ملی نفت توسعه میدان سیری را به توتال واگذار می‌کند. پرداخت‌ها با نیم میلیون دلار در جولای ۱۹۹۵ آغاز شد و طی ۵ مرحله در دو سال و نیم به حدود ۱۶ میلیون دلار رسید. در بند ۱۱ سند رسمی ۱۴ صفحه‌ای به شماره کیفری ۱۳:CR۱ از دادگاه ناحیه ویرجینیای شرقی که متضمن اطلاعات مربوط به نقض قوانین ضد فساد آمریکا به دست توتال است، چنین آمده است:

«حدوداً از مه ۱۹۹۵ (اردیبهشت - خرداد ۱۳۷۴) تا حدود نوامبر ۲۰۰۴ (آذر ۱۳۸۳) شرکت توتال (خواننده) در ناحیه شرقی ایالت ویرجینیا و سایر نقاط بطور غیرقانونی و عامداً و با علم و آگاهی با واسطه اول و دوم آگاهانه یا ناآگاهانه علیه ایالات متحده آمریکا از طریق تبانی، توطئه، مشارکت و موافقت مرتکب جرم شده ۸۱ است؛ به این معنا که عمداً از مکاتبات و ابزارها و واسطه‌های بازرگانی بین‌الدولی به نحو فاسدی در پیشبرد یک پیشنهاد، از پرداخت، تعهد بر پرداخت، و جواز پرداخت پول، پورسانت، هدیه، تعهد به دادن و جواز دادن هر چیز ارزشمند به مقامات خارجی بهره بگیرد و از پول یا شیء ارزشمند که بناست به مقامات خارجی پیشنهاد داده شده یا تعهد شود این مقاصد را داشته باشد: (۱) بر اقدامات و تصمیمات مقامات یاد شده در سمت رسمی آنها تأثیر بگذارد؛ (۲) مقامات خارجی یاد شده را به فعل یا ترک فعلی تشویق کند که منجر به نقض تکالیف قانونی آنان شود؛ (۳) امتیاز غیرقانونی تحصیل کند، و (۴) مقامات خارجی یاد شده را تشویق کند که از نفوذ خود در دولت خودشان و واسطه‌های آنها برای تأثیرگذاری بر اقدامات و تصمیمات دولت‌های یاد شده استفاده کنند و همه اینها را به منظور کمک به شرکت توتال و سایرین برای به دست آوردن و حفظ کسب و کار یا هدایت آن به شرکت توتال و سایرین انجام دهند، عنوان پانزدهم کد ایالات متحده آمریکا را نقض کرده‌اند». در بند ۷ سند «کمیسیون ارز و اوراق بهادار» مقام ایرانی را اینگونه معرفی می‌کند: «مقام ایرانی رئیس یک شرکت مهندسی بود که بیش از ۹۰ درصد آن در مالکیت دولت ایران و عمدتاً تحت کنترل دولت بوده است. از اوایل سال ۲۰۰۱، مقام ایرانی، با تغییر مسئولیت، رئیس یک سازمان ایرانی مرتبط با

مصرف سوخت بوده که کلاً در مالکیت دولت و یکی از شرکت‌های تابعه شرکت ملی نفت ایران است و در عین حال مشاور دولتی یکی از مقامات عالی رتبه ایرانی بود».

تحقیق مقامات قضایی و بورسی آمریکا در سال ۲۰۰۶ آغاز شد. ۷ سال بعد، در ۲۹ مه ۲۰۱۳، توتال و وزارت دادگستری آمریکا موافقتنامه تعویق پیگرد قانونی را امضا کردند. این موافقتنامه که در جرایم مربوط به یقه سفیدان رایج است، به متهم اجازه می‌دهد با قبول ارتکاب جرم و پذیرش مجازات، خود را از دردسرهای قضایی و تبعات پرهزینه فرآیند طولانی رسیدگی و صدور حکم، برهاند و قضیه را فیصله دهد. در این سند ۱۶ صفحه‌ای که ۲۹ صفحه پیوست دارد آمده است «توتال اذعان و اعتراف می‌کند و می‌پذیرد» ... که دادگستری آمریکا او را به سه جرم کیفری متهم کرده است: ۱- توطئه برای نقض مقررات ضد رشوه FCPA (قانون اقدامات فسادآمیز خارجی)؛ ۲- نقض مقررات FCPA در کنترل و نظارت داخلی؛ ۳- نقض مقررات FCPA در ثبت و نگهداری دفاتر مالی. برای حل‌وفصل این دعوی موافقتنامه امضا می‌شود. براساس آن توتال جریمه مالی را می‌پذیرد، در عین حال قبول می‌کند برای مدت سه سال دیده‌بانی متخصصی را که آمریکا از بین خبرگان ذیربط معرفی شده از طرف توتال انتخاب می‌کند، تحمل کند و کل هزینه تمام توصیه‌های او را برای شفاف شدن سیستم حسابداری خود انجام دهد (پاک‌ذات، ۱۳۹۷: ۵۶).

سرانجام پس از سه سال که توتال به تأیید دیده‌بان به تمامی تعهداتش به درستی عمل کرد، براساس بند ۱۵ موافقتنامه تعویق پیگرد قانونی، دادگستری آمریکا برای رفع سوء اثر و نادیده انگاشتن اطلاعات دال بر ارتکاب جرم توتال اقدام کرد و با صدور دستور رسمی پرونده خاتمه یافت، اما پس از پرداخت چند صد میلیون جریمه نقدی، اجرای یک برنامه گسترده انطباق و پس از آنکه دیده‌بانی مستقلی، با هزینه خودش بر او تحمیل شد و تمام دستورات دیده‌بان را به ناچار پذیرفت و به دلیل آنکه اعلام شد که بین ۱۰ کشور رشوه دهنده و قانون‌شکن رتبه پنجم را اشغال کرده بود و به دلیل بازداشت رئیس و دو مدیر دیگرش در فرانسه، حیثیت‌اش آسیب دید، توانست از این مخمصه‌هایی یابد (همان). با وجود همه این مجازات‌ها که برای توتال قائل شدند، آن هم نه برای خیانت به فرانسه یا آمریکا، بلکه به منظور نقض قانون برای جلب سود بیشتر به کشورش؛ اما آن مقام ایرانی که متهم به دریافت پورسانت و رشوه از توتال بوده است، در این کشور مورد بازخواست و مجازات قرار نگرفته است. این در حالی است که زمان وقوع جرم رشوه (پورسانت) توتال به مقامات ایرانی (سال‌های ۱۳۷۶ - ۱۳۷۴) آن را به هیچ‌وجه مشمول مرور زمان تعقیب موضوع قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲، قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قرار نمی‌دهد. به نظر می‌رسد این پرونده به جای تبیین مبانی قانونی امکان رسیدگی قضایی به آن، به تبیین فقدان اراده سیاسی برای عدم رسیدگی به آن در طی چندین سال گذشته نیاز دارد. چنانچه مقام ایرانی که

¹ Foreign Corruption Practices Act

پورسانت و رشوه دریافت کرده، در پرونده توتال مجرم شناخته شود، می‌باید مجازات اشد اعمال شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۷۱).

پرونده پر ابهام کرسنت نیز، پرونده‌ای است که علیه ایران در خصوص قرارداد کرسنت در دادگاه لاهه تشکیل شده بود. «کرسنت» نام یک قرارداد گازی بین ایران و شرکت اماراتی «کرسنت پترولیوم» است. این قرارداد در سال ۲۰۰۱ میلادی (۱۳۸۱ شمسی) به امضا رسید. به موجب این قرارداد، مقرر شد تا ایران گاز تولیدی از میدان سلمان را تا ۲۵ سال به این شرکت اماراتی بفروشد. پس از امضای این قرارداد، با پیگیری شورای عالی امنیت ملی و سازمان بازرسی کل کشور، اجرای آن متوقف شد. دلیل توقف اجرای این قرارداد، فساد گسترده با پرداخت رشوه‌ها و پورسانت‌ها و وجود دلالت‌های مختلف، ارزان‌فروشی گاز، مناسب نبودن نقطه تحویل گاز باتوجه به مسائل امنیتی و اشکالات ساختاری قرارداد بود.

سرانجام با پیگیری‌های شورای عالی امنیت ملی، در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۳ شمسی) مشخص شد که شرکت کرسنت صلاحیت لازم برای انعقاد این قرارداد را نداشته و طرف ایرانی باتوجه به تمامی مسائل، به راحتی می‌تواند قرارداد را ملغی کند، در همین زمان بود که با فشار دلالت‌ها و حضور واسطه‌هایی، هیأت مدیره شرکت ملی نفت با اضافه شدن الحاقیه‌ای، حق لغو را از ایران گرفت. این الحاقیه که مثل انعقاد اصل قرارداد با حضور دلالت‌ها و پرداخت حق دلالتی و پورسانت تهیه شده بود، همچنین وجود مسائل امنیتی در این قرارداد، موجب ۸۳ شد تا مراجع نظارتی در ایران همچون سازمان بازرسی کل کشور، بطور کل اجرای این قرارداد را ملغی اعلام کند (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۹۴).

در سال ۲۰۰۹، شرکت کرسنت از ایران در دادگاه لاهه شکایت کرد و تقاضای خسارت بابت اجرایی نشدن این قرارداد را مطرح کرد. ایران با ارائه مستندات گسترده رشوه در این پرونده، موفق شد تا سال ۲۰۱۱ فساد در انعقاد این قرارداد را در دادگاه لاهه اثبات کند. در این خصوص، علیه مدیران و مسئولانی که در امضای قرارداد کرسنت نقش داشتند از جمله وزیر نفت، پرونده‌هایی در مراجع قضایی باز شد. در سال ۲۰۱۲ با روی کار آمدن دولت یازدهم، همان مسئولانی که در امضای قرارداد کرسنت نقش داشتند و پرونده‌های آنها در مراجع قضایی باز بود، دوباره در وزارت نفت و شرکت‌های زیرمجموعه آن حکم گرفتند. شرکت کرسنت از این موضوع استفاده کرد و آن را دستاویزی برای کمرنگ کردن نقش فساد در امضای کرسنت قرار داد. روند پیگیری پرونده کرسنت در دادگاه لاهه که تا پایان دولت دهم به نفع ایران در حال گذر بود، رفته رفته تغییر کرد و در حالیکه شرکت کرسنت و دلالت‌ها و واسطه‌های مرتبط با آن فساد کرده‌اند، به ناحق ایران در حال متحمل شدن خسارت گسترده است.

نتیجه‌گیری

باید پذیرفت که امروزه فساد مالی از معضلات مهم جامعه ما در دستگاه‌های دولتی است و فساد مالی از معضلاتی محسوب می‌شود که اقتصاد یک کشور را می‌تواند تضعیف یا حتی به مرز نابودی قرار دهد. یکی از موارد فساد مالی بزه اخذ پورسانت در معاملات دولتی می‌باشد. در کشور ما از لحاظ مقررات و قوانین خلأ در این زمینه وجود ندارد و اخذ پورسانت جرم محسوب می‌شود و کیفرهای نسبتاً شدیدی برای آن در نظر گرفته شده‌اند، اما، قوانینی که در این زمینه هست فقط به به جنبه کیفری توجه شده باید توجه داشت که تدابیر کیفری نمی‌تواند به حد کافی بازدارنده باشد و نقش جامعه مدنی در این زمینه نادیده انگاشته شده است. سیاست جنایی ایران در بزه اخذ پورسانت یک سیاست سرکوبگرانه است و با کیفرهای شدید به جرم‌انگاری بزه اخذ پورسانت پرداخته شده است. قوانین و مقررات که در این زمینه هست به علت عدم هماهنگی بین مسئولین دارای تناقض و عدم شکل‌گیری قوانین و مقررات در زمینه بزه اخذ پورسانت منجر به ایجاد ابهام و دوگانگی شده است.

امروزه ثابت شده است برخورد با پدیده مجرمانه تنها از طریق کیفری نمودن و تشدید کیفر نمی‌باشد بلکه باید از روش‌های پیشگیرانه در این رابطه استفاده نمود. سیاست جنایی ایران در قبال بزه اخذ پورسانت توجه به تدابیر غیرکیفری نداشته است. بعنوان مثال در زمینه شفاف‌سازی اطلاعات در زمینه بزه اخذ پورسانت در ایران، اهمیاتی صورت نگرفته است بلکه همانطور که در پرونده توتال و کرسنت بدان اشاره شد، عدم شفاف‌سازی مسئولین در معرفی افراد مجرم و پورسانت‌گیر و رشوه‌گیر و عدم اهتمام به مجازات آنان، تبعات منفی بسیاری را در داخل و خارج از کشور ایجاد نمود. این در حالی است که اگر تدابیر پیشگیرانه و نظامند نسبت اخذ پورسانت و رشوه در قراردادهای بین‌المللی از سوی قانونگذاران وجود داشت دیگر نباید بعد از ماجرای پورسانت توتال فرانسه، پرونده دیگری در این مورد برای ایران در دادگاه لاهه باز می‌شد.

از سوی دیگر، سازمان شفافیت بین‌المللی بعنوان یک سازمان بین‌المللی غیردولتی تأسیس شده است و دولت‌ها را به شفاف‌سازی ترغیب می‌نماید در حالیکه در جمهوری اسلامی ایران دسترسی به پرونده‌های بزه اخذ پورسانت به دشواری و غیرممکن است. در مجموع، بعنوان جلوگیری از بزه اخذ پورسانت راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد: الف) گزینش مأمورین صالح؛ ب) تأمین مالی مستخدمین؛ ج) تقویت دستگاه‌های نظارت و بازرسی؛ د) شفافیت‌سازی و آگاه ساختن افکار عمومی؛ ه) تشکیل یک سازمان برای دادن آمار جنایی دقیق در ارتباط با مفاسد مالی؛ و) برنامه‌ریزی و انجام دادن کارهای فرهنگی در پیشگیر از بزه اخذ پورسانت ز) در نظر گرفتن پاداش برای مأمور دولت که مفاسد مالی را به اطلاع مأموران ذیصلاح می‌رساند.

فهرست منابع

- ۱- اسماعیلی، افشار (۱۳۸۳)، «بررسی راه‌های جلوگیری از فساد مالی ناشی از پورسانت در معاملات توسط مدیران»، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد**، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲- اسماعیلی، داود (۱۳۸۰)، «بررسی شده مسأله فساد اداری»، **مجله حقوقی دادگستری**، ش ۳۷.
- ۳- اصغری، سیدمحمد (۱۳۷۷)، **رشوه و احتکار**، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۴- انوری، حسن (۱۳۸۷)، **فرهنگ بزرگ سخن**، تهران: انتشارات سخن.
- ۵- بیابانی، غلامحسین (۱۳۹۱)، «جرایم اقتصادی؛ جرمی آمیخته با فساد»، **مجله کارآگاه**، ش ۲۰.
- ۶- پاکزاد، بتول و پیوندی، محمد (۱۳۹۲)، «مطالعه تطبیقی جرم رشا و ارتشاء در قوانین جزایی ایران و فرانسه»، **مجله دانش انتظامی سمنان**، دوره ۳، ش ۷.
- ۷- پاک‌ذات، سیدمهدی (۱۳۹۷)، «بررسی قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی با شرکت توتال؛ فرصت‌ها و تهدیدات»، مرکز پژوهشی آرا: اندیشکده سیاست‌های راهبردی اقتصاد و مدیریت (سرامد)، **دپارتمان نفت و انرژی، گزارش راهبردی مدیریت و اقتصاد**، ش ۶۹.
- ۸- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۹)، **ترمینولوژی حقوق**، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۹- حسینی، منیره (۱۳۹۵)، «جرم‌انگاری اختلاس و ارتشا در بخش خصوصی ایران و فرانسه»، **پایان‌نامه کارشناسی - ارشد**، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۰- عمید، حسن (۱۳۷۷)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۱- گرگانی فیروزجائی، صفر (۱۳۸۱)، «قرارداد دلالی در حقوق ایران و فرانسه»، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد**، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۲- مهاجری، علی (۱۳۷۹)، **جرایم خاص کارکنان دولت تهران**، تهران: انتشارات کیهان.
- ۱۳- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۳)، **حقوق کیفری اختصاصی: جرائم علیه اموال و مالکیت**، تهران: انتشارات میزان.
- ۱۴- نفیسی، سعید (۱۳۷۸)، **فرهنگ فرانسه به فارسی**، ج ۲، تهران: انتشارات صیف علی شاه.
- ۱۵- ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۶)، **حقوق کیفری اقتصادی**، تهران: انتشارات میزان.